

دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۵، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۸ (۲۱۰-۱۸۵)

مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین با میانجی‌گری دلزدگی زناشویی (مطالعه موردی: شهرستان قصرشیرین)

جهانبخش خسروی*، امید مرادی**، حمزه احمدیان***، ناصر یوسفی****

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۳/۲۷)

چکیده

پژوهش حاضر، با هدف تدوین مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین با میانجی‌گری دلزدگی زناشویی انجام شد. با توجه به هدف، این مطالعه از نوع کاربردی و شیوه اجرای آن توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری شامل تمامی زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره بهزیستی شهرستان قصرشیرین طی سال‌های ۱۳۹۸-۱۳۹۷ بودند که از میان آنها به شیوه در دسترس، ۳۸۴ زن و مرد به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. ابزارهای مورد استفاده، پرسشنامه‌های استاندارد طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۹)، الگوهای ارتباطی (CPQ) و دلزدگی زناشویی پابنز (۱۹۹۶) بود. نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون‌های آماری همبستگی پیرسون و معادلات ساختاری نشان داد: بین گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی با میانجی‌گری دلزدگی زناشویی رابطه معنی‌داری وجود دارد. همچنین، دلزدگی زناشویی، رابطه بین گرایش به طلاق عاطفی و الگوهای ارتباطی را میانجی‌گری می‌کند. نتایج پژوهش حاکی از آن است که با افزایش الگوی ارتباطی سازنده متقابل در بین زوجین متقاضی طلاق، آن‌ها دلزدگی زناشویی کمتری را تجربه می‌کنند. در صورتی که دلزدگی زناشویی زوجین متقاضی طلاق نیز بالا رود، طلاق عاطفی افزایش می‌یابد.

کلیدواژه‌ها: روابط زناشویی، طلاق عاطفی، الگوهای ارتباطی، دلزدگی زناشویی، زوجین.

* دانشجوی دکتری مشاوره، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

E-mail: Jahankhosravi77@gmail.com

** استادیار، گروه مشاوره، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران (نویسنده مسئول).

E-mail: moradioma@gmail.com

*** استادیار، گروه روانشناسی، واحد سنندج، دانشگاه آزاد اسلامی، سنندج، ایران.

E-mail: Ahmadian2012@gmail.com

**** دانشیار و عضو هیئت علمی گروه مشاوره، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

E-mail: Naseryoosefi@yahoo.com

مقدمه

زندگی مشترک از عوامل متعددی متأثر می‌شود که پاره‌ای از آنها ممکن است زوجها را به طرف اختلاف و درگیری، جدایی روانی و دلزدگی و حتی طلاق سوق دهد (نریمانی و همکاران، ۱۳۹۴). برخی افراد، طلاق را در شرایطی رهایی‌بخش می‌خوانند که خانواده در آتش ستیز و آشوب می‌سوزد و فرزندان در معرض بیماری‌های روانی پایا هستند. در این زمان، طلاق می‌تواند درمان نهایی باشد. اما برخی زوجین به دلیل ساختار فرهنگی جامعه، تأکید اسلام بر قبح طلاق و پیامدهای طلاق به‌خصوص با وجود فرزندان، حاضر به جدایی نیستند و برای سال‌های زیادی به زندگی سرد و توأم با فرسایش روحی و روانی و حتی جسمی ادامه می‌دهند. در این موارد، طلاق عاطفی اتفاق می‌افتد (اکبری و همکاران، ۱۳۹۵). طلاق عاطفی وضعیتی است که در ظاهر، ساختار خانواده حفظ می‌شود؛ ولی در واقع، خانواده از درون تهی است. چرا که رابطه عاطفی مثبت میان زوجین، از میان رفته و روابط منفی عاطفی جای آن را گرفته است. پس از به وجود آمدن این احساس سرخوردگی، همسرشان را در قبل و بعد از ازدواج مقایسه می‌کنند و در پی آن، احساسات منفی، حالت غالب به خود می‌گیرد و به از دست دادن شور و شوق اولیه، وابستگی عاطفی و در نهایت، بروز طلاق عاطفی منجر می‌شود (پروین و همکاران، ۱۳۹۳).

طلاق عاطفی زوایای پنهان و مستتری دارد که بررسی و شناخت آن نیازمند مطالعات فراوان و دقیق است (رضوانی و صامی، ۱۳۹۸). طلاق عاطفی، اولین مرحله در فرایند طلاق و بیانگر رابطه زناشویی رو به زوال است که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. این نوع طلاق، نماد وجود مشکل در ارتباط سالم و صحیح بین زن و شوهر و نیز متضمن فقدان اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر است (فیروزجائیان و همکاران، ۱۳۹۵). از معروف‌ترین نظریه‌پردازان در این حیطه، بوئن است که نظریه نظام‌های خانوادگی را ارائه نموده و مورد استقبال قرار گرفته است. زیربنا و پایه این نظریه، بر اساس مفهوم تفکیک خود قرار دارد. از نظر بوئن، نوعی نظام عاطفی بر ساختار خانواده حاکم است که قابلیت انتقال بین نسلی دارد و سلامت روانی فرد در گروهی سطح تفکیک و جدایی وی از این نظام است. نظریه بوئن، نقش مهمی در زمینه رشد نظری و کار بالینی خانواده‌درمانی داشته است (یوسفی، ۱۳۹۰).

یکی از عواملی که به نظر می‌رسد با طلاق عاطفی مرتبط باشد، کیفیت و چگونگی ارتباط زوجین است. الگوی ارتباطی زوجها، یعنی کانال‌های ارتباطی است که از طریق آنها زن و شوهر

مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین ... ۱۸۷

با یکدیگر به تعامل می‌پردازند (باسر و همکاران^۱، ۲۰۱۹). الگوهای ارتباطی زوجین، فرایندی است که طی آن زن و شوهر به صورت کلامی و غیرکلامی با یکدیگر تعامل برقرار می‌کنند (پروندی و همکاران، ۱۳۹۵). رابطه زوجین، در زمره پیچیده‌ترین روابط انسانی قرار دارد و هیچ‌یک از روابط انسانی، همانند رابطه زوجین، دارای ابعاد وسیع و متعدد نیست؛ زیرا ارتباطات انسانی، هر یک، بُعدی از ابعاد حیات را می‌پوشاند، ولی روابط زوجین، هم‌زمان دارای همه ابعاد زیستی، اقتصادی، عاطفی و نیز روانی-اجتماعی است. به طور کلی، ازدواج مستلزم برقراری ارتباط مؤثر و کارآمد است. در حمایت از این موضوع، بسیاری از پژوهش‌ها نشان داده‌اند، ارتباط زناشویی کارآمد، پیش‌بینی‌کننده قوی کیفیت زناشویی و در مقابل، ارتباط زناشویی ناکارآمد، سرچشمه عمده نارضایتی است. بر همین پایه، می‌توان گفت مشکلات ارتباطی، شایع‌ترین و مخرب‌ترین مشکلات در ازدواج‌های شکست‌خورده است (کریمی و همکاران، ۱۳۹۶).

ارتباط زناشویی، عبارت است از فرایندی که در طی آن، زن و شوهر چه به صورت کلامی، در قالب گفتار و چه به صورت غیرکلامی، در قالب گوش دادن، مکث، حالت چهره و ژست‌های مختلف با یکدیگر به تبادل احساسات و افکار می‌پردازند. یکی از راه‌های نگرستن به ساختار خانواده، توجه به الگوی ارتباطی زوجین یعنی کانال‌های ارتباطی است که از طریق آنها زن و شوهر با یکدیگر به تعامل می‌پردازند. به آن دسته از کانال‌های ارتباطی که به‌وفور در یک خانواده اتفاق می‌افتد، الگوهای ارتباطی گفته می‌شود و مجموعه این الگوها شبکه ارتباطی خانواده را شکل می‌دهد (زانک^۲، ۲۰۰۷). بنابراین، اهمیت الگوهای ارتباطی، به قدری است که سنگ زیربنای بهزیستی کلی خانواده عنوان شده است، به طوری که الگوهای ارتباطی آشفته، بر سلامت روان زوج اثر چشمگیری دارد (تیمونس و همکاران^۳، ۲۰۱۷). متغیر دیگر میانجی در این پژوهش، دلزگی زناشویی^۴ است. دلزدگی^۵ حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است و کسانی را متأثر می‌سازد که توقع دارند عشق رؤیایی به

-
1. Buser et al
 2. Zank
 3. Timmons et al
 4. Marital Disturbance
 5. Boredom

زندگی‌شان معنا ببخشند. این حالت، زمانی بروز می‌کند که آنها متوجه می‌شوند علی‌رغم تلاش‌هایشان، رابطه‌شان به زندگی معنا نداده و نخواهد داد (عطاری و همکاران، ۱۳۹۱). بنا به اعتقاد لینگرن^۱ (۲۰۰۳) دلزدگی، از پا افتادن جسمی، عاطفی و روانی است که از عدم تناسب بین توقعات و واقعیت ناشی می‌شود. دلزدگی به علت ناکامی در عشق بروز می‌کند و پاسخی است در برابر مسایل وجودی. انباشته شدن فشارهای روانی تضعیف‌کننده عشق، افزایش تدریجی خستگی و یکنواختی و جمع‌شدن رنجش‌های کوچک، به بروز دلزدگی کمک می‌کند (هادیان و امینی، ۱۳۹۸). به عبارتی، می‌توان گفت: دلزدگی زناشویی، شامل علائم تحلیل‌رفتگی مفرد جسمی است که به صورت خستگی، بی‌حوصلگی، ضعف، سر دردهای مزمن، دل درد، کمبود اشتها یا پرخوری دیده می‌شود. تحلیل‌رفتگی عاطفی، با احساس ناراحتی، بی‌میلی نسبت به حل مسایل، ناامیدی، غمگینی، احساس پوچی و بی‌معنایی، افسردگی، دلتنگی و فقدان تحرک، احساس در دام افتادن، بی‌ارزشی، آشفتگی عاطفی و هر گونه تفکرات مربوط به خودکشی مشخص می‌شود. به تعبیری، سرخورده‌گی و دلزدگی زناشویی، کاهش تدریجی دلبستگی عاطفی به همسر است که با احساس بیگانگی، بی‌علاقگی و بی‌تفاوتی به یکدیگر و جایگزینی عواطف منفی^۲ به جای عواطف مثبت^۳ همراه است (نادری و آزادمنش، ۱۳۹۱).

بنابراینچه گفته شد، مسأله پژوهش حاضر را می‌توان چنین بیان کرد که: نگرانی در زمینه پیامدهای طلاق عاطفی، به تفاوت برخورد با تعارض‌های زناشویی در غرب و ایران برمی‌گردد. در غرب، اگر تعارض‌های بین زن و شوهر غیرقابل تحمل گردد، تا حد زیادی منجر به طلاق قانونی می‌شود، اما در ایران به دلیل پیامدهای طلاق قانونی برای زوج‌ها، به‌خصوص برای زنان، و مطرح شدن طلاق به‌عنوان انحراف از ارزش‌های جامعه، در موارد بسیاری، ادامه زندگی بدون عشق و همدلی بر طلاق ترجیح داده می‌شود. بدون شک، حاصل چنین روابطی (طلاق عاطفی)، محیطی ناپایمن برای زوج‌ها و فرزندان ایجاد می‌کند که پژوهش‌های مختلف، بر اثرات مخرب و پایدار آن تأکید می‌کنند. سرانجام، این ارتباط، منجر به شکل‌گیری شخصیت ناسالم در فرزندان و انتقال بین‌نسلی می‌شود. با توجه به نقش مهم طلاق عاطفی در به خطر انداختن سلامت خانواده

1. Lingern

2. Emotions Negative

3. Emotions Positive

مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین ... ۱۸۹

و جامعه، و نظر به این نکته که در مطالعات علمی و دانشگاهی ایران، طلاق عاطفی کمتر مورد توجه قرار گرفته است، خلأ این گونه پژوهش‌های بنیادی علمی، جدی به نظر می‌رسد. همچنین از سوی دیگر، در مطالعات انجام شده ایران، به موضوع طلاق عاطفی به عنوان بُعد پنهان طلاق زوجین، کمتر توجه شده است و مطالعات، بیشتر به موضوع طلاق رسمی پرداخته‌اند. از طرفی خود محقق در اداره بهزیستی شهرستان قصرشیرین مشغول به خدمت است و هر روزه در این مرکز و مراکز وابسته به آن، شاهد اختلاف‌های خانوادگی و میزان بالای طلاق در این شهر و افراد تحت پوشش این مرکز هست. از طرفی، آمارهای ثبت شده در سال جاری و مقایسه آن با سال گذشته، نشان می‌دهد که در بحث طلاق، نسبت به سال قبل، ۶۷ مورد افزایش در افراد تحت پوشش وجود داشته است. بنابراین، اجرای پژوهش در این شهر انجام شد. در واقع، این پژوهش، به منظور پاسخ به این سؤال‌ها طراحی شده است که: آیا بین طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی با میانجی‌گری دلزدگی زناشویی زوجین رابطه معنی‌داری وجود دارد؟ و با بررسی پیشینه‌های پژوهشی و یافته‌های تحقیق آیا می‌توان این روابط را به صورت معادلات ساختاری بیان کرد؟

چارچوب نظری تحقیق

در جامعه ایران، اگر امروز با آمارهای رو به رشد طلاق قانونی مواجه می‌شویم، در کنار آن مسأله‌ای بزرگ‌تر، تحت عنوان طلاق عاطفی وجود دارد. شاید میزان طلاق عاطفی به مراتب بیشتر از طلاق‌های قانونی باشد؛ به‌ویژه زمانی که زوجین ناراضی، به‌علت وجود موانع اجتماعی، فرهنگی و حتی قانونی مجبور به تحمل یک زندگی مشترک غیررضایت‌آمیز می‌شوند. در واقع، مسأله جدایی زوجین را می‌توان به کوه یخی تشبیه کرد که تنها بخش کوچکی از آن در قالب طلاق‌های قانونی خود را نمایان می‌سازد. زندگی‌های خاموشی که زن و مرد در کنار هم به سردی زندگی می‌کنند ولی هیچ‌گاه تقاضای طلاق قانونی نمی‌کنند. این‌ها ازدواج‌هایی هستند که با طلاق قانونی پایان نیافته‌اند، اما طرفین، عواطف خود را از همدیگر دریغ کرده‌اند و دیگر اعتماد و احساسی بین آنها نیست. اعضای این خانواده‌ها، به زندگی با یکدیگر ادامه می‌دهند اما از روابط و کنش متقابل با یکدیگر و از حمایت احساسی یکدیگر محروم هستند. سکوت و بی‌تفاوتی فضای خانه را پر کرده و «جدایی سری» جای «همسری» را گرفته است (شعبانی و

همکاران، ۱۳۹۲).

اهمیت الگوهای ارتباطی به قدری است که سنگ زیربنای بهزیستی کلی خانواده عنوان شده است؛ طوری که الگوهای ارتباطی آشفته بر سلامت روان زوج اثر چشمگیری دارد (شیرفت و اسچوارتز و همکاران^۱، ۲۰۱۴). بنا به اعتقاد لینگرن^۲ (۲۰۰۳) دلزدگی از پا افتادن جسمی، عاطفی و روانی است که از عدم تناسب بین توقعات و واقعیت ناشی می‌شود. دلزدگی به علت ناکامی در عشق بروز می‌کند و پاسخی است در برابر مسایل وجودی، انباشته شدن فشارهای روانی تضعیف کننده عشق، افزایش تدریجی خستگی و یکنواختی و جمع شدن رنجش‌های کوچک که به بروز دلزدگی کمک می‌کند (هادیان و امینی، ۱۳۹۸).

به‌رغم دستیابی به یافته‌های ارزشمند درباره ابعاد دلزدگی زناشویی، در مطالعات اخیر همچنان نکات مبهم فراوانی وجود دارد که لازم است به آنها توجه شود. در میان جنبه‌های ارتباطی، به جهت پاسخ به کمبودهای موجود در یافته‌های پیشین و ارتباطی که میان این مؤلفه با مؤلفه‌های طلاق عاطفی و دلزدگی زناشویی وجود دارد، انتخاب شدند. اولین متخصص بالینی که به‌طور منظم پدیده روابط بین شخصی را مفهوم‌سازی کرد هری استاک سالیوان (۱۹۵۳) بود. بر اساس نظریه بین شخصی سالیوان، شخصیت عبارت است از الگوهای نسبتاً پایداری از روابط بین شخصی باز رخدادگر که زندگی فرد را مشخص می‌کند. سالیوان شخصیت را به‌عنوان سیستم انرژی که هدف آن اجرای فعالیت به‌منظور کاهش نیازهای بیولوژیکی ارگانسیم و کاهش اضطراب است، توصیف می‌نمود. این فرایند از طریق پویایی الگوهای همیشگی از رفتار ایجاد می‌شود. او احساس می‌کرد همه افراد، پویایی‌های بنیادین مشابهی دارند، اما روش بیان آنها ممکن است مطابق با وضعیت و تجربیات فردی آنها گوناگون باشد (هال و لیندزلی^۳، ۱۹۷۸). یکی از پویایی‌های بسیار مهم در بررسی منشأ رفتارهای غیر انطباقی، سیستم خود است. سالیوان احساس می‌کرد سیستم خود، به‌عنوان پیامدی از تعامل مادر و کودک بر طبق نظریه هیجان‌های متقابل به‌وجود می‌آید. طبق نظر سالیوان، به میزانی که افراد به وسیله اضطراب در روابط اولیه خودشان تحت تأثیر قرار می‌گیرند، روابط بین شخصی فعلی آنها و ارتباطات آنها از طریق توجه انتخابی مختل می‌شود. فرض بنیادین نظریه بین شخصی این است که همه ابعاد شخصیت بین

-
1. Schwarz et al
 2. Lingern
 3. Hall & Lindzey

مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین ... ۱۹۱

شخصی است. این فرض هسته اصلی نظریه سالیوان است. در نظریه سالیوان، همه چیز بر اساس تجسم شکل گرفته از خود و دیگران هدایت می شود که به آن شخصی سازی می گویند (گنجی، ۱۳۹۲).

کاف لین و ونجلیستی (۲۰۰۰) الگوهای ارتباطی میان همسران را سه دسته می دانند، الگوی سازنده متقابل، که مهمترین نوع آن برنده برنده است و در آن، همسران با طرح مسایل خود، از واکنش های غیرمنطقی و پرخاشگری خودداری می کنند؛ الگوی اجتناب متقابل، که در آن کشمکش میان همسران بسیار است؛ به گونه ای که بحث و جدل، تبدیل به یک الگوی همیشگی و ویران گر شده است؛ و الگوی توقع/کناره گیری، که به دو شکل توقع مرد/کناره گیری زن و توقع زن/کناره گیری مرد است و افزایش یکی، افزایش دیگری و تشدید کشمکش های زناشویی را به دنبال دارد. در این الگو، همسر متوقع فردی وابسته است و همسر کناره گیر ترس از وابسته شدن دارد.

کریستنسن و سالوی^۱ (۱۹۹۱) طبقه بندی دیگری از الگوهای ارتباطی زوجین ارائه می دهند. آنها رفتارهای زوجین را در طول سه مرحله از تعارض زناشویی برآورد می کنند که این مراحل عبارتند از: ۱. هنگامی که مشکلی در رابطه زوجین ایجاد می شود، ۲. در طول بحث پیرامون مشکل ارتباطی و ۳. بعد از بحث راجع به مشکل ارتباطی. این رفتارها در سه مقیاس ارتباط سازنده متقابل، مقیاس ارتباط اجتنابی متقابل و مقیاس ارتباط توقع/کناره گیری دسته بندی می شوند. ارتباط توقع/کناره گیری خود از دو بخش مرد متوقع/زن کناره گیر و زن متوقع/مرد کناره گیر تشکیل می شود (فوتریس و همکاران^۲، ۲۰۱۰).

ستیر^۳ (۱۹۸۷) اعتقاد دارد، ارتباط نه تنها رشته کامل راههای رد و بدل کردن اطلاعات بین مردم است، بلکه نحوه معنی بخشیدن به این اطلاعات به وسیله افراد را نیز در بر می گیرد. رویکرد ستیر یک رویکرد ارتباطی است. او به زوج ها کمک می کند تا، با استفاده از برنامه های رفتاری ویژه به کاهش اختلافات و تعارضات زناشویی خود پردازند (بنمن،^۴ ۲۰۰۸؛ به نقل از سودانی، امیری مقدم و مهرابی زاده، ۱۳۹۲). ستیر به بهترین نحو، موضوع ارتباط را در خانواده

-
1. Christensen & Salavy
 2. Futris & et al
 3. Satir
 4. Banmen

مطرح می‌کند. ستیر، رابطه را بزرگترین عاملی می‌داند که نوع رفتار انسان را با دیگران و حوادثی را که در جهان اطراف برایش اتفاق می‌افتد تعیین می‌کند. به‌طور کلی ستیر، ارتباط مختل را عامل اصلی تعارضات زناشویی می‌داند و حتی معتقد است که تنها عامل منحصر به فرد طلاق همین ارتباط ناکارآمد زوجها است. ستیر سعی می‌کند به زوجها کمک کند تا عزت نفس خود را تقویت کنند و معتقد است زوجها دارای عزت نفس پایین، از الگوهای ارتباطی مختل و ناسالمی مانند سازشگر، سرزنش‌گر، حسابگر و بی‌ربط‌گو استفاده می‌کنند. او کوشش می‌کند تا زوجها الگوهای ارتباطی متعادل و هم‌تراز با یکدیگر داشته باشند (ستیر، ۱۹۸۳؛ به نقل از سودانی و همکاران، ۱۳۹۲). با در نظر گرفتن چارچوب نظری در دیدگاه روابط موضوعی، این مطالعه با هدف تدوین مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین با میانجی‌گری دلزدگی زناشویی انجام شد.

پیشینه تحقیق

مطالعات متعددی پیرامون موضوع مطالعه پیش رو، در ایران و خارج از ایران انجام شده است. یو و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان شخصیت تاری، کیفیت زناشویی دلزدگی زوجها چینی یک مدل میانجیگری وابستگی متقابل - شریک زندگی نشان دادند که هم ماکیاولیتیسیم و هم روان درمانی دارای تأثیرات غیرمستقیم بازیگر- شریک زندگی در ناپایداری زناشویی بودند. علاوه بر این، درجه‌بندی خود و شریک زندگی ماکیاولیتیسیم و روان درمانی به احتمال زیاد با واسطه‌گیری کامل از کیفیت زناشویی بر بی‌ثباتی زناشویی تأثیر می‌گذارد. در نتیجه، کیفیت زناشویی نقش واسطه‌ای کاملی بین شخصیت تاریک و بی‌ثباتی زناشویی ایفا می‌کند.

تساپلاس و همکارانش^۱ (۲۰۱۶) در پژوهشی، رابطه بین دلزدگی زناشویی کنونی و رضایت زناشویی آینده را در زنان اروپایی بررسی کردند. در پژوهش آنها، ۱۲۳ زوج شرکت کردند. نتایج به‌دست آمده حاکی از آن بود که دلزدگی زناشویی کنونی، عامل پیش‌بینی‌کننده رضایت زناشویی آینده است و دلزدگی کنونی منجر به از بین رفتن صمیمیت و جدایی عاطفی زوجین می‌شود. لاونر و همکاران^۲ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان آیا ارتباط زوجین رضایت زناشویی را در

1. Tsapelas et al
2. Lavner et al

مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین ... ۱۹۳

زنان لس آنجلس پیش‌بینی می‌کند، یا رضایت زناشویی ارتباط را پیش‌بینی می‌کند؟ نتایج نشان دادند کیفیت ارتباط بین همسران به‌طور گسترده‌ای فرض می‌شود که بر قضاوت‌های بعدی رضایت از روابط آنها تأثیر می‌گذارد، اما این فرض به ندرت در برابر پیش‌بینی جایگزین مورد آزمایش قرار می‌گیرد که ارتباط فقط نتیجه سطح رضایت همسرها است. برای ارزیابی این دیدگاه‌ها، مثبت بودن، منفی بودن و اثربخشی زوج‌های تازه متولد شده، چهار بار در فواصل ۹ ماه مشاهده شد و این رفتارها در رابطه با گزارش‌های مربوط به خود از رضایت از رابطه بررسی شد. از نظر مقطعی، زوج‌های نسبتاً رضایت‌بخش، درگیر ارتباطات مثبت‌تر، کمتر منفی و مؤثرتر هستند. از نظر طولی، ارتباطات قابل اعتماد به «رضایت و رضایت از انجمن»های ارتباطی مشخص شد، اما هیچ‌یک از مسیرها محکم نبودند. این یافته‌ها شباهت مهمی را در مورد تئوری‌ها و مداخلات ایجاد می‌کند که مهارت‌های ارتباطی زوج را به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده اصلی رضایت از روابط در اولویت قرار می‌دهند؛ ضمن اینکه سؤالات جدیدی را در مورد سایر عوامل پیش‌بینی ارتباط و رضایت و ایجاد ارتباط یا تقویت آنها ایجاد می‌کند. پارکوور و همکارانش^۱ (۲۰۱۱) در پژوهشی در دانشگاه لویولا مریلند، به بررسی اثربخشی خانواده‌درمانی ساختاری پرداختند. این محققان به این نتیجه رسیدند که آموزش به خانواده‌ها با توجه به این رویکرد، باعث افزایش رضایت زناشویی و کاهش ناسازگاری آنان شده است.

گامریو و همکارانش^۲ (۲۰۱۱) نیز در مطالعه‌ای که در کشور پرتغال نشان دادند که بین رضایت زناشویی و کیفیت زندگی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد و افزایش رضایت زناشویی، باعث افزایش کیفیت زندگی در تمامی ابعاد آن می‌شود.

رضوانی و صائمی (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان همبستگی بین خود تمایز و عصب‌گرایی با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل شهر آزاد شهر در سال ۱۳۹۶، نشان دادند بین تمایز بین خود و طلاق عاطفی، همبستگی منفی وجود دارد. همچنین مشخص شد که بین روان‌رنجوری و طلاق عاطفی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. پژوهش همتی‌پور و همکارانش (۱۳۹۸) نشان داد که بین الگوهای ارتباطی سازنده با دلزدگی رابطه منفی وجود دارد. همچنین الگوهای ارتباطی اجتنابی و الگوهای ارتباطی توقع/کناره‌گیری رابطه مثبتی با دلزدگی دارد. نتایج این مطالعه نشان

1. Parcover et al

2. Gameiro et al

داد که الگوهای ارتباطی سازنده با دلزدگی (خستگی عاطفی و روانی) رابطه منفی معنی دار دارد، ولی الگوهای ارتباطی اجتنابی و توقع/کناره‌گیر با خستگی جسمی، عاطفی و روانی رابطه مثبت معنی داری دارد.

کاظمیان مقدم و همکارانش (۱۳۹۷) در پژوهشی با عنوان الگوی رابطه علی تمایزیافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق میانجی‌گری تعارض زناشویی و رضایت زناشویی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی واحد دزفول، نشان دادند که بین تمایزیافتگی و دلزدگی زناشویی ارتباط منفی معناداری وجود دارد و تمایزیافتگی در تبیین و پیش‌بینی دلزدگی زناشویی نقش دارد. نتایج پژوهش رضائیان و همکارانش (۱۳۹۶) با عنوان بررسی و مقایسه تمایزیافتگی خود، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی در زوج‌های متقاضی طلاق و زوج‌های عادی شهر قم نشان داد که در الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی بین زوج‌های متقاضی طلاق و زوج‌های عادی تفاوت معنادار وجود دارد. در نتیجه می‌توان بیان کرد که الگوهای ارتباطی و میزان رضایت جنسی زوجین، تعیین‌کننده‌های گرایش یا عدم گرایش زوجین به سمت طلاق هستند. نجات‌داری و همکارانش (۱۳۹۵) نیز در پژوهشی با عنوان بررسی دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی و ارتباط آن با ورزش و فعالیت جسمانی کلیه افراد متأهل مراجعه‌کننده به مراکز ارائه‌دهنده خدمات مشاوره و روان‌درمانی، نشان دادند دلزدگی زناشویی افراد متأهل با میزان ورزش رابطه معناداری دارد. همچنین در افراد متأهل، بین میزان ورزش با طلاق عاطفی رابطه معناداری وجود دارد.

قمری کیوی و همکارانش (۱۳۹۴) طی پژوهشی با عنوان رابطه تمایزیافتگی خود و رضایت زناشویی در همسران سازگار و ناسازگار شهر تبریز، نتیجه گرفتند که تفاوت معنی داری در میزان تمایزیافتگی خود در همسران سازگار و ناسازگار وجود دارد. بابایی گرمخانی و همکارانش (۱۳۹۳) به بررسی رابطه معیارهای ارتباطی غیرواقعی با الگوهای ارتباطی و نقش آن‌ها در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق مراجعه‌کننده به شعب دادگاه‌های خانواده مناطق شهر تهران پرداختند. یافته‌های آنها نشان داد معیارهای ارتباطی غیرواقعی، به‌طور معناداری با الگوهای ارتباطی دارای رابطه هستند و فقط در یک مورد رابطه معیار مرز و الگوی اجتناب متقابل معنادار نبود. همچنین معیارهای ارتباطی غیرواقعی و الگوهای ارتباطی، به‌طور معناداری توانستند دلزدگی زناشویی را در زنان متقاضی طلاق پیش‌بینی کنند.

روش تحقیق

پژوهش حاضر با توجه به هدف آن از نوع کاربردی و شیوه اجرای آن توصیفی از نوع همبستگی است. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی زنان و مردان مراجعه کننده به مرکز مشاوره بهزیستی قصرشیرین (یکی از شهرستان های مرزی در استان کرمانشاه طی سال های ۱۳۹۸-۱۳۹۷) است. حجم نمونه، ۳۸۴ نفر زن و مرد (۱۹۲ نفر زن و ۱۹۲ نفر مرد) ازدواج کرده متقاضی طلاق است که به دلایل مختلف، از زندگی زناشویی خود ناراضی بوده و تصمیم به طلاق گرفته بودند. روش نمونه گیری، نمونه گیری در دسترس بوده و دلیل آن تشکیل کلاس های هفتگی و ماهیانه برای مشاوره زوجین است. در این تحقیق از روش سرشماری استفاده شد؛ به این طریق که کلیه زوجین متقاضی طلاق مراجعه کننده به واحد مشاوره و مددکاری اجتماعی، مورد بررسی قرار گرفته اند.

در این تحقیق، طلاق عاطفی (متغیر ملاک)، الگوهای ارتباطی (متغیر پیش بین) و دزدگی زناشویی به عنوان متغیر میانجی در نظر گرفته شدند. طلاق عاطفی وضعیتی است که در ظاهر، ساختار خانواده حفظ می شود ولی در واقع خانواده از درون تهی است، چرا که رابطه عاطفی میان زوجین از میان رفته و روابط منفی عاطفی جای آن را گرفته است (ادیب راد، ۱۳۸۵). در این پژوهش، منظور از نمره استاندارد طلاق عاطفی، نمره ای است که فرد در پاسخ به سوالات ۲۴ ماده ای پرسشنامه گاتمن (۲۰۰۸) به دست می آورد. الگوهای ارتباطی، فرایندی است که طی آن زن و شوهر، چه به صورت کلامی در قالب گفتار و چه به صورت غیر کلامی در قالب گوش دادن، مکث، حالت چهره و ژست های مختلف با یکدیگر به تبادل احساسات و افکار می پردازند (فاتحی زاده و احمدی، ۱۳۸۴). در این پژوهش، نمره آزمودنی از پرسشنامه ۳۵ سوالی کریستنسن و سالاولی (۱۹۸۴) به دست می آید. همچنین دزدگی، از پا افتادن جسمی، عاطفی و روانی است که از عدم تناسب بین توقعات و واقعیت ناشی می شود (هادیان و امینی، ۱۳۹۸).

جنبه های اخلاقی که در پژوهش حاضر مورد ملاحظه قرار گرفت، عبارتند از: دادن اختیار لازم به شرکت کنندگان جهت همکاری در مطالعه و کسب رضایت از آنها به صورت شفاهی، محفوظ نگهداشتن اطلاعات افراد شرکت کننده در مطالعه و دادن اطمینان به آنها در مورد محرمانه بودن اطلاعاتشان و اینکه گزارش به صورت گروهی ارائه شد. مدت اجرای پژوهش، ۶ ماه بود. ملاک های ورود به این مطالعه عبارتند از: متأهل بودن، عدم بیماری های روانشناختی و بدون دریافت هرگونه درمان تا تاریخ برگزاری آزمون. معیارهای خروج نیز شامل گذراندن دوره های

درمانی و نیز عدم تمایل به ادامه آزمون بود.

ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه‌های استاندارد طلاق عاطفی گاتمن، الگوهای ارتباطی و دلزدگی زناشویی بود. پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن^۱ (۱۹۹۹) برای اندازه‌گیری میزان طلاق عاطفی افراد طراحی شده است. این پرسشنامه، تعاملی بوده و فاقد مؤلفه است. این پرسشنامه در ۲۴ گویه به شکل دو گزینه‌ای (بله یا خیر) تنظیم شده است. پس از جمع کردن پاسخ‌های مثبت، چنانچه تعداد آن برابر هشت و بالاتر باشد، به معنای این است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی در وی مشهود است. موسوی و همکارانش (۱۳۹۴)، پایایی کل این مقیاس را با استفاده از آلفای کرونباخ به میزان ۰/۹۳ گزارش کردند. مقادیر اشتراک و بار عاملی گویه‌های مقیاس و بار عاملی گویه‌های مقیاس، نشان داد که بار عاملی همه سؤالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته و بار عاملی قابل قبولی دارند. روایی صوری این پرسشنامه نیز با نظر ۷ نفر از اعضای هیأت علمی پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا تأیید شده است (موسوی و همکاران، ۱۳۹۴). پرسشنامه الگوهای ارتباطی (CPQ) در سال ۱۹۸۴ توسط کریستنسن و سالووی در دانشگاه کالیفرنیا ساخته شد و در ایران، در سال ۱۳۷۹ توسط عبادت‌پور، ترجمه و هنجاریابی گردید. این پرسشنامه شامل ۳۵ سؤال، به صورت طیف لیکرت ۹ درجه‌ای است. این پرسشنامه، از سه خرده مقیاس ارتباط سازنده متقابل، ارتباط اجتناب متقابل، ارتباط توقع/کناره‌گیری تشکیل شده است.

همچنین پرسشنامه دلزدگی زناشویی توسط پاینز^۲ (۱۹۹۶) ساخته شده و شامل ۲۱ سؤال است که نشان‌دهنده نشانگان دلزدگی است. این پرسشنامه دارای سه مؤلفه خستگی عاطفی، خستگی روانی و خستگی جسمی است. در این مقیاس، نمرات بالاتر نشان‌دهنده دلزدگی بیشتر است و حد بالای نمره، ۱۴۷ و حد پایین آن، ۲۱ است. برای تفسیر نمره‌ها باید آن‌ها را تبدیل به درجه کرد که این عمل از طریق تقسیم نمره‌های حاصل شده از پرسشنامه بر تعداد سؤالات (۲۱) به دست می‌آید. در تفسیر نمره‌ها، درجه بیشتر از ۵ نشانگر لزوم کمک فوری، درجه ۵ نشان‌دهنده وجود بحران، درجه ۴ نمایانگر حالت دلزدگی، درجه ۳ نشان‌دهنده خطر دلزدگی و درجه ۲ و کمتر از آن نیز نشان‌دهنده وجود رابطه خوب است. جهت تحلیل توصیفی داده‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، میانگین، درصد و انحراف معیار استفاده گردید. همچنین با استفاده از نرم افزار SPSS 21، تجزیه و تحلیل استنباطی با روش‌های آماری ضریب همبستگی

1. Gottman
2. Payne

مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین ... ۱۹۷

پیرسون و معادلات ساختاری نرم افزار IBM AMOS24 تحلیل و تبیین شد. آلفای کرونباخ در مطالعه پیش رو برای مؤلفه الگوهای ارتباطی (۰/۸۸۹)، دلزدگی زناشویی (۰/۹۷۲) و طلاق عاطفی (۰/۷۹۰) برآورده شده است. چون مقدار آلفای کرونباخ همه پرسشنامه‌ها بیشتر از ۰/۷۰ است، لذا می‌توان نتیجه گرفت که پرسشنامه‌های حاضر از پایایی قابل قبولی برخوردارند.

جدول ۱: پایایی پرسشنامه‌های پژوهش

مؤلفه	آلفای کرونباخ
الگوهای ارتباطی	۰/۸۸۹
دلزدگی زناشویی	۰/۹۷۲
طلاق عاطفی	۰/۷۹۰

یافته‌ها

این پژوهش، بر روی ۳۸۴ نفر انجام شده است. ۱۹۲ نفر (۵۰ درصد) از افراد مورد بررسی، مرد و ۱۹۲ نفر (۵۰ درصد) نیز زن بودند. سطح تحصیلات ۱۸۴ نفر از افراد نمونه، دیپلم و پایین‌تر (۴۷/۹۲ درصد)، ۱۲۶ نفر، مقطع کارشناسی (۳۲/۸۱ درصد) و ۷۴ نفر (۱۹/۲۷ درصد) نیز مقطع کارشناسی ارشد و بالاتر بود. همچنین، از بین اعضای نمونه، ۹۸ نفر (۲۵/۵۲ درصد) کمتر از ۳۰ سال، ۲۰۴ نفر (۵۳/۱۳ درصد) بین ۳۰ تا ۴۵ سال و ۸۲ نفر (۲۱/۳۵ درصد) نیز بالاتر از ۴۵ سال سن داشتند.

جدول ۲: مشخصات جمعیت‌شناختی نمونه مورد بررسی

متغیرها	رده‌ها	فراوانی	درصد
جنس	زن	۱۹۲	۰/۵۰
	مرد	۱۹۲	۰/۵۰
سن	کمتر از ۳۰ سال	۹۸	۲۵/۵۲
	۳۰ تا ۴۵ سال	۲۰۴	۵۳/۱۳
	بالاتر از ۴۵ سال	۸۲	۲۱/۳۵
میزان تحصیلات	دیپلم و پایین‌تر از دیپلم	۱۸۴	۴۷/۹۲
	کارشناسی	۱۲۶	۳۲/۸۱
	کارشناسی ارشد و بالاتر	۷۴	۱۹/۲۷

۱۹۸ دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

یافته‌های توصیفی این پژوهش بر اساس آماره‌های توصیفی نشان داد که میانگین برای متغیرهای پژوهش، برای الگوهای ارتباطی، دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی به ترتیب برابر ۶۶/۴۲، ۱۲۶/۳۴ و ۱۷/۳۱ است. همچنین انحراف استاندارد برای این متغیرها به ترتیب برابر ۱۵/۷۳، ۴۵/۱۶ و ۶/۲۷ است.

جدول ۳: میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
الگوهای ارتباطی	۶۶/۴۲	۱۵/۷۳
دلزدگی زناشویی	۱۲۶/۳۴	۴۵/۱۶
طلاق عاطفی	۱۷/۳۱	۶/۲۷

وضعیت نرمال بودن متغیرهای پژوهش نیز با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف نشان داد که سطح معنی داری این آزمون برای متغیرها بزرگ‌تر از ۰/۰۵ بوده لذا داده‌های این متغیرها در سطح اطمینان ۹۵ درصد، نرمال هستند.

جدول ۴: نتایج آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن متغیرهای پژوهش

متغیر	کولموگراف اسمیرنوف Z	معناداری دو دامنه
الگوهای ارتباطی	۰/۴۴۴	۰/۲۱۰
دلزدگی زناشویی	۰/۹۶۲	۰/۵۶۰
طلاق عاطفی	۰/۸۹۹	۰/۴۲۱

پیش فرض، همبستگی میان متغیرهای پژوهش، برای انجام مدل معادلات ساختاری نیز بررسی گردید که نتایج آن به شرح جدول زیر است.

جدول ۵: نتایج آزمون ضریب همبستگی بین متغیرهای الگوهای ارتباطی، دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی

ماتریس همبستگی	الگوهای ارتباطی	دلزدگی زناشویی	طلاق عاطفی
الگوهای ارتباطی	۱	**۰/۶۰۳	*۰/۵۰۳
دلزدگی زناشویی	**۰/۶۰۳	۱	**۰/۶۲۱
طلاق عاطفی	*۰/۵۰۳	**۰/۶۲۱	۱

مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین ... ۱۹۹

با توجه به جدول فوق، همبستگی بین تمامی متغیرهای پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد تأیید شد. به دلیل اینکه سطح معناداری مربوط به روابط برابر کلیه متغیرها کمتر از میزان ۰/۰۵ است، لذا می‌توان گفت بین کلیه متغیر همبستگی معناداری وجود دارد. بین الگوهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی به ترتیب ۰/۶۰۳ و ۰/۵۰۳ ضریب همبستگی نشان‌دهنده همبستگی در سطح متوسط (در سطح معناداری $p < 0.01$) است. همچنین، در ارتباط با دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی، میزان ضریب همبستگی ۰/۶۲۱ نشان‌دهنده همبستگی در سطح متوسط (در سطح معناداری $p < 0.01$) است.

جدول ۶: شاخص برازش مدل کلی

مدل کلی	X2/df	RMSEA	NFI	CFI	IFI	RFI	PRATIO	PNFI	PCFI
میزان قابل قبول	< ۳	< ۰/۰۵	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۹	> ۰/۵۰	> ۰/۵۰	> ۰/۵۰
مقادیر محاسبه شده	۱۶/۱۱۹	۰/۴۷۴	۰/۲۴۷	۰/۲۵۴	۰/۲۵۴	۰/۰۵۴	۰/۷۱۴	۰/۱۷۷	۰/۱۷۵

نسبت کای اسکوئر مدل ساختاری به درجه آزادی برابر ۱۶/۱۱۹ و نامناسب است. شاخص‌های برازش تطبیقی، همگی پایین‌تر از ۹۰ درصد و نامناسب هستند. شاخص RMSEA بالاتر از ۵ درصد و نامناسب است. اما شاخص‌های مقتصد (اقتصادی بودن) همه بالاتر از ۵۰ درصد بوده و مناسب هستند. بنابراین، نیاز به اصلاحاتی در مدل است. مقدار NFI یا شاخص برازش هنجار شده بنتلر-بونت به دست آمده برابر با ۰/۹۷۲ است که با توجه به مقدار استاندارد ۰/۹ که حد مطلوب این شاخص است، مدل از برازش مطلوبی برخوردار است. مقدار RFI یا شاخص برازش نسبی به دست آمده، ۰/۹۴۵ است که این شاخص به برازش مطلوب مدل اشاره دارد. مقدار IFI یا شاخص برازش افزایشی به دست آمده، برابر با ۰/۹۷۹ است که این شاخص به برازش مطلوب مدل اشاره دارد. مقدار CFI یا شاخص برازش تطبیقی به دست آمده، برابر با ۰/۹۵۹ است که این شاخص به برازش مطلوب مدل اشاره دارد. مقدار RMSEA یا ریشه دوم میانگین مربعات خطای برآورد به دست آمده، برابر با ۰/۰۲۹ است که با توجه به مقدار استاندارد، کمتر از ۰/۰۵، مطلوب است. مقدار PNFI یا شاخص هنجار شده مقتصد برابر با ۰/۶۷۴ و بالاتر از ۰/۵ بوده و نشان از وضعیت مطلوب مدل دارد. مقدار PCFI یا شاخص برازش تطبیقی مقتصد برابر با ۰/۶۷۵ و بالاتر از ۰/۵ و نشان از وضعیت مطلوب مدل

۲۰۰۰ دو فصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

دارد. مقدار PRATIO یا نسبت مقتصد بودن برابر با ۰/۶۷۹ و بیشتر از ۰/۵ و نشان از وضعیت مطلوب مدل دارد.

جدول ۷. شاخص‌های برازش مدل اندازه‌گیری الگوهای ارتباطی، دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی

شاخص	مقدار	نتیجه	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل
منظورها		عنوان									
شاخص		شاخص									
مجدور کای بر درجه آزادی	۲/۴۴۶	مقدار									
ریشه خطای میانگین مجدورات تقریب	۰/۰۱۴	دلزدگی	نتیجه	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل
ریشه میانگین مربعات باقیمانده	۰/۱۲۱	زناشویی	مقدار	۲/۷۲۶	۰/۲۹	۰/۱۶۴	۰/۹۸۷	۰/۹۴۵	۰/۹۴۰	۰/۹۱۳	۰/۹۱۸
نیکویی برازش	۰/۹۶۹	طلاق	نتیجه	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل	تایید مدل
شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	۰/۹۱۰	عاطفی	مقدار	۲/۹۳۴	۰/۰۱۱	۰/۳۱۴	۰/۹۱۱	۰/۹۲۱	۰/۹۳۸	۰/۹۲۹	۰/۹۰۳
شاخص برازش چهار شده (بنتل- پونت)	۰/۹۳۴										
شاخص برازش تطبیقی	۰/۹۳۸										
شاخص برازش افزایشی	۰/۹۲۶										

لذا در کل، با توجه به همه شاخص‌ها، می‌توان گفت مدل از برازش مناسبی برخوردار است. در نتیجه، اصلاح اکثر شاخص‌ها بهبود یافتند. بنابراین، نتایج با توجه به مدل برازش یافته و انجام آزمون سوبل، برای برخی روابط نشان داد: رابطه غیرمستقیم الگوهای ارتباطی زوجین با طلاق عاطفی از طریق دلزدگی زناشویی برابر ۰/۵۹ بوده که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنی‌دار است؛ لذا فرض صفر رد و فرض پژوهش مبنی بر رابطه معنی‌دار الگوهای ارتباطی زوجین با طلاق عاطفی از طریق دلزدگی زناشویی پذیرفته می‌شود. همچنین رابطه مستقیم الگوهای ارتباطی زوجین با طلاق عاطفی، برابر ۰/۸۸ بوده که در سطح $P < ۰/۰۵$ معنی‌دار است، لذا فرض صفر رد و فرض پژوهش مبنی بر رابطه معنی‌دار الگوهای ارتباطی زوجین با طلاق عاطفی پذیرفته می‌شود. همچنین، رابطه مستقیم الگوهای ارتباطی زوجین با دلزدگی زناشویی برابر ۰/۶۴ بوده که در

مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین ... ۲۰۱

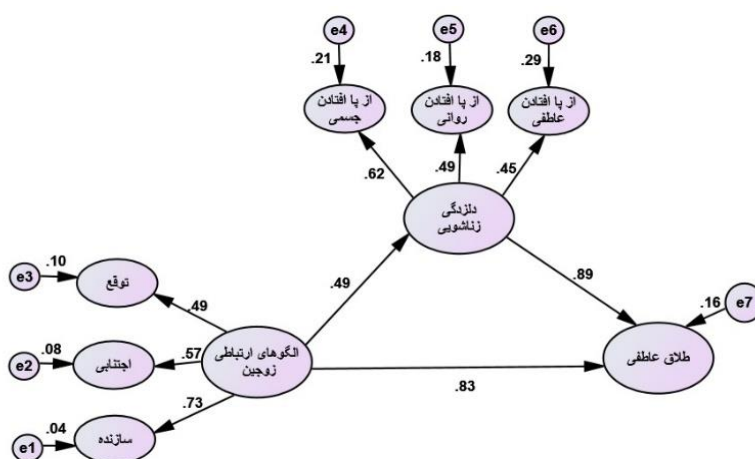
سطح $P < 0/05$ معنی دار است؛ لذا فرض صفر رد و فرض پژوهش مبنی بر رابطه معنی دار الگوهای ارتباطی زوجین با دلزدگی زناشویی پذیرفته می شود. با توجه به نتایج به دست آمده و مقایسه آن با دامنه قابل قبول، می توان اذعان کرد تمامی شاخص های برازندگی مدل فوق در دامنه قابل قبول قرار گرفته و بنابراین، تناسب داده های گردآوری شده با مدل مطلوب است. لذا برازندگی مدل نهایی الگوهای ارتباطی، دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی مورد تأیید است. در ادامه مدل معادلات ساختاری، براساس ضرایب استاندارد و ضرایب معناداری t مورد بحث قرار خواهد گرفت. با توجه به روابط مفروض در مدل مفهومی می توان معادلات رگرسیونی را همان طور که در ادامه آمده است محاسبه نمود. ضرایب محاسبه شده برای تأثیر هریک از متغیرها در معادلات زیر برحسب مقدار t گزارش شده است. زمانیکه $(p < 0/05$ و $t < 2)$ تأثیر معنادار نیست؛ چرا که t کمتر از میزان ملاک است. زمانیکه $(p < 0/05$ و $2 \leq t < 3)$ تأثیر با بیش از ۹۵ درصد اطمینان معنادار است. همچنین زمانی که $(p < 0/05$ و $t \geq 3)$ باشد تأثیر با بیش از ۹۹ درصد اطمینان معنادار است. پس از بررسی مدل و حذف اثرات غیر معنادار در مراحل مختلف، مدل برازش یافته با داده ها به صورت زیر است. در ادامه، مقادیر معادلات در مدل اولیه (برحسب مقدار t ضرایب خام و ضرایب استاندارد شده) آمده است. جدول ۷ ضرایب تأثیر متغیرها را نشان می دهد.

در جدول ۸، اثرات مستقیم و غیرمستقیم با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری آورده شده است. تأثیر متغیر الگوهای ارتباطی بر طلاق عاطفی برابر $0/632$ بوده و مقدار آماره آزمون t برابر $5/760$ و سطح معناداری مربوط به آن برابر $0/000$ و کمتر از $0/05$ است $(p < 0/05$ و $t \geq 3)$. لذا این تأثیر نیز معنادار است. همچنین تأثیر متغیر دلزدگی زناشویی بر طلاق عاطفی برابر $0/892$ بوده و مقدار آماره آزمون t برابر $10/323$ و سطح معناداری مربوط به آن برابر $0/000$ و کمتر از $0/05$ است $(p < 0/05$ و $t \geq 3)$. لذا این تأثیر نیز معنادار است. همچنین تأثیر متغیر الگوهای ارتباطی بر طلاق عاطفی با نقش میانجی دلزدگی زناشویی برابر $0/514$ بوده و مقدار آماره آزمون t برابر $4/621$ و سطح معناداری مربوط به آن برابر $0/000$ و کمتر از $0/05$ است $(p < 0/05$ و $t \geq 3)$. لذا این تأثیر نیز معنادار است.

جدول ۸: بررسی اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای الگوهای ارتباطی، دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری

روابط مستقیم و غیرمستقیم	میزان اثر	آماره آزمون t	سطح معناداری	نتیجه رابطه
الگوهای ارتباطی ← طلاق عاطفی	۰/۶۳۲	۵/۷۶۰	۰/۰۰۰	تایید
دلزدگی زناشویی ← طلاق عاطفی	۰/۸۹۲	۱۰/۳۲۳	۰/۰۰۰	تایید
الگوهای ارتباطی ← دلزدگی زناشویی ← طلاق عاطفی	۰/۵۱۴	۴/۶۲۱	۰/۰۰۰	تایید

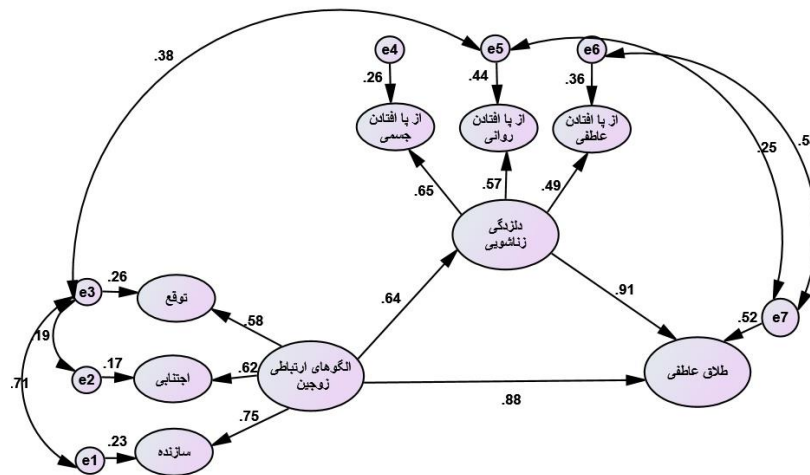
از آنجا که هدف این پژوهش، دستیابی به مدلی از روابط علی بین متغیرهاست، از شیوه مدل‌یابی علی استفاده شد. این شیوه با ترکیب اطلاعات علت و معلول بر مبنای تئوری معین، روابط بین متغیرها را توضیح داده و مبنایی برای استنباط فراهم می‌آورد. استنباط‌های علی که بر مبنای انواع همبستگی داده‌ها حاصل شده و ممکن است تبیین‌کننده روابط بین متغیرهای مشاهده‌پذیر و مکنون باشد. به عبارتی، در مدل‌یابی علی، هدف، به دست آوردن برآوردهای کمی روابط علی بین مجموعه‌ای از متغیرهاست. در این پژوهش، به منظور دستیابی به مدل پژوهش از شیوه مدل‌یابی معادلات ساختاری که مبتنی بر روابط علی بین متغیرهاست استفاده شد. همان‌طور که در اثرات مستقیم و غیرمستقیم با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری آورده شده است، تأثیر متغیر الگوهای ارتباطی بر طلاق عاطفی معنادار است. همچنین تأثیر متغیر الگوهای ارتباطی بر طلاق عاطفی با نقش میانجی دلزدگی زناشویی نیز معنادار است. در ادامه، مقادیر معادلات در مدل اولیه (برحسب مقدار t ضرایب خام و ضرایب استاندارد شده) در شکل ۱ آمده است.



شکل ۱: مدل ساختاری تحقیق با ضرایب استاندارد

۲۰۳ مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین ...

اثرات مستقیم و غیرمستقیم با استفاده از تحلیل معادلات ساختاری آورده شده است. تأثیر متغیر الگوهای ارتباطی بر طلاق عاطفی برابر $(p < 0,05$ و $t \geq 3)$. لذا این تأثیر نیز معنادار است. همچنین تأثیر متغیر دلزدگی زناشویی بر طلاق عاطفی برابر $(p < 0,05$ و $t \geq 3)$. لذا این تأثیر نیز معنادار است. با توجه به نتایج به دست آمده، می توان ادعان کرد که تمامی شاخص های برازندگی مدل فوق در این دامنه قرار گرفته اند و بنابراین، تناسب داده های گردآوری شده با مدل مطلوب است. بدین ترتیب، مجموعه متغیرهای مرتبط با اهداف و سئوالات پژوهش شناسایی شده و جهت بررسی های تکمیلی آماده شدند. در ادامه، سازه های مرتبط با متغیرها شناسایی گردید. شکل ۲ مدل اصلاحی پژوهش با ضریب استاندارد به دست آمده را نشان می دهد. مدل اصلاحی این پژوهش پس از بررسی مدل و حذف اثرات غیر معنادار در مراحل مختلف، برازش یافته و بر اساس مقدار t (T.VALUE) به صورت زیر است.



شکل ۲: مدل اصلاحی پژوهش با ضرایب استاندارد

نتیجه گیری

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تدوین مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی خود با میانجی گری دلزدگی زناشویی در زوجین شهرستان قصرشیرین بود. نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری و روابط ساختاری بین متغیرها نشان داد الگوهای ارتباطی بر طلاق عاطفی تأثیر دارد و این میزان، برابر با ۰/۶۷۱ است. نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری و روابط ساختاری بین متغیرها نشان داد دلزدگی زناشویی بر طلاق عاطفی تأثیر دارد و این میزان، برابر با ۰/۶۳۲ است. نتایج حاصل از مدل معادلات ساختاری و روابط ساختاری بین متغیرها نشان داد الگوهای ارتباطی از طریق دلزدگی زناشویی بر طلاق عاطفی تأثیر دارد و این میزان برابر با ۰/۴۳۳ است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های یو و همکارانش^۱ (۲۰۲۰)، باری و همکارانش^۲ (۲۰۱۹)، کاظمیان و همکارانش (۱۳۹۷)، نریمانی و همکارانش (۱۳۹۷)، رضاییان و همکارانش (۱۳۹۶) همسو است.

طلاق عاطفی بیان‌گر رابطه زناشویی روبه‌زوالی است که احساس بیگانگی جایگزین آن می‌شود. زن و شوهر اگرچه ممکن است با هم بودن را مانند یک گروه اجتماعی ادامه دهند، اما جاذبه و اعتماد آنها نسبت به یکدیگر از بین رفته است. طلاق عاطفی نقش مهمی در به خطر انداختن سلامت خانواده و فرد است، اگرچه این مسأله کمتر مورد توجه قرار گرفته است. بنابراین، بر اساس نتایج، تمایز یافتگی پایین و وجود پیوندهای عاطفی شدید بین هریک از همسران با خانواده اصلی‌شان، چالش بزرگی برای ازدواج آنها محسوب نمی‌شود و با وجود آنکه در حال حاضر، اغلب همسران پس از ازدواج منزلی جدا از دو خانواده را برای سکونت انتخاب می‌کنند، اما پیوندی قوی با خانواده اصلی خود حتی پس از ازدواج دارند. لذا در هر جامعه‌ای، شکست یا موفقیت در ازدواج از عوامل فرهنگی مردمان آن جامعه نیز تأثیر می‌گیرد. به طوری که افراد در بافت‌های فرهنگی مختلف اولویت‌ها، نیازها و انتظارات متفاوتی نسبت به ازدواج دارند که شیوه تحقق آنها می‌تواند کیفیت رابطه زناشویی آنها را تحت تأثیر قرار دهد. در تبیین این پژوهش می‌توان گفت که وجود تمایز یافتگی در افراد می‌تواند از بروز بسیاری از مشکلات جلوگیری کند و برعکس افرادی که تمایز نیافتگی پایینی دارند در برخورد با مسائل،

1. Yu et all

2. Barry et all

مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین ... ۲۰۵

به جای تصمیمات منطقی و عقلانی، شدیداً احساسی شوند و با استرس و اضطراب خود، مشکلات را تشدید می‌کنند. هرچند بعضی از مشکلات در زندگی زناشویی باعث نمی‌شود که زوجین طلاق بگیرند، ولی به تدریج باعث طلاق عاطفی زوجین خواهد شد که می‌توان ریشه در تمایز نیافتگی خود در زوجین باشد.

طلاق عاطفی می‌تواند زندگی را برای افراد سخت و دشوار کند و بروز مشکلات متعدد دیگری شود. در واقع، آنچه رابطه تمایز یافتگی خود از طریق دلزدگی زناشویی بر طلاق عاطفی تبیین می‌کند، جدایی‌های عاطفی‌ای است که زن و شوهرهای تمایز نیافته پس از ایجاد موقعیت‌های تعارضی، دچار آن می‌شوند. در تبیین این یافته، می‌توان گفت زن و شوهرهایی که دارای سطوح تمایز یافتگی پایین هستند برای پایداری روابطشان، رشد و خود رهبری شان را قربانی ازدواج می‌کنند. چنانچه الگوی ارتباطی سازنده متقابل به‌عنوان الگوی غالب در روابط زناشویی به کار برده شود با افزایش میزان رضایت زناشویی زوجین همراه خواهد بود. مهمترین ویژگی این الگو، این است که؛ الگوی ارتباطی زوجین از نوع برنده- برنده است. در این الگو، زوجین به راحتی در مورد مسائل و تعارض‌های خود گفتگو می‌کنند و به دنبال حل آن بر می‌آیند و از واکنش‌های غیرمنطقی و پرخاشگری خودداری می‌کنند (جاویدی و همکاران، ۱۳۹۲). بنابراین، به‌طور کلی، می‌توان گفت: طلاق یکی از پدیده‌هایی است که ثبات خانواده را تهدید نموده و پیامدها و اثرات منفی بر خانواده، زوجین، فرزندان و به‌طور کلی بر جامعه خواهد داشت. از آنجایی که نمونه پژوهش تنها زوجین مراجعه‌کننده به مرکز مشاوره قصر شیرین را در بر می‌گیرد، در تعمیم نتایج آن به گروه‌های سنی دیگر و زوجین شاغل و غیرشاغل، دانشجوی و غیردانشجو لازم است احتیاط بیشتری به‌عمل آید. پژوهش حاضر دارای تلویحات کاربردی است. نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در وهله اول مورد استفاده خانواده‌ها، روانشناسان، مشاوران و درمان‌گران قرار گیرد. همچنین سیاستگذاران امر خانواده و ازدواج، وزارت آموزش و پرورش، وزارت ورزش و جوانان و سازمان بهزیستی نیز می‌توانند از نتایج حاصل از این پژوهش بهره‌مند شوند. از طریق تدوین برنامه‌های آموزشی مناسب در چارچوب آموزش‌های پیش از ازدواج، توانمندسازی زوجین و مداخله‌های قبل از طلاق، در جهت نحوه ارضای نیازهای بنیادین روان‌شناختی و انتظارات زناشویی، به اصلاح و بهبود عملکرد خانواده اقدام نمود و از این رو گام مؤثری در کاهش طلاق عاطفی زوجین برداشت.

۲۰۶ دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

به منظور گسترش دانش و بینش تجربی در زمینه نحوه تأثیر متغیرهای مختلف بر طلاق عاطفی، ارائه مدل‌های مفهومی دیگر و در نظر گرفتن سایر متغیرها می‌تواند راهگشا باشد. همچنین بررسی عوامل فردی، خانوادگی، فرهنگ و بافت ویژه هر جامعه، ضرورت انجام پژوهش‌های آتی در این زمینه را مطرح می‌سازد. پیشنهاد می‌شود با برگزاری جلسات مشاوره‌ای فردی و گروهی قبل و بعد از ازدواج جهت آگاهی‌افزایی زوج‌های در شرف ازدواج و ازدواج کرده استفاده شود. پیشنهاد می‌شود جهت افزایش گستره تعمیم‌پذیری یافته‌های این پژوهش، پژوهش‌های مشابهی روی گروه‌های دیگری از جمله متقاضیان طلاق با سطوح تحصیلی مختلف، متقاضیان طلاق مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره، زوجین با علایم طلاق عاطفی و سایر زوجین انجام شود. برازش مدل تدوین شده در پژوهش حاضر بر اساس مدل مفهومی طلاق عاطفی، الگوهای ارتباطی زوجین در تبیین دلزدگی زناشویی به معنای مؤثر نبودن و نادیده گرفتن سایر متغیرهای مؤثر در دلزدگی زناشویی نیست. پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی مدل‌های جدیدی با در نظر گرفتن سایر متغیرها و مدل‌های مفهومی دیگر تدوین گردد.

منابع

- ادیب راد، نسترن (۱۳۸۵). بررسی رابطه دلزدگی زناشویی و دلزدگی شغلی زنان شاغل در خدمات پرستاری، تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۴۷-۳۵.
- اکبری، ابراهیم، زینب عظیمی، سعیده طالبی و صمد فهیمی (۱۳۹۵). پیش‌بینی طلاق عاطفی زوجین بر اساس طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه، تنظیم هیجان و مؤلفه‌های آن، روانشناسی بالینی و شخصیت، دوره ۱۴، شماره ۲، صص ۹۲-۷۹.
- بابایی گرمخانی، محسن؛ یاسر مدنی و مسعود غلامعلی لواسانی (۱۳۹۳). بررسی رابطه معیارهای ارتباطی غیرواقعی با الگوهای ارتباطی و نقش آنها در پیش‌بینی دلزدگی زناشویی زنان متقاضی طلاق. دوفصلنامه مشاوره کاربردی، دوره ۴، شماره ۱، صص ۸۴-۶۷.
- پروندی، علی، مختار عارفی و اسما مرادی (۱۳۹۵). نقش عملکرد خانواده و الگوهای ارتباطی زوجین در پیش‌بینی رضایت زناشویی، مجله آسیب‌شناسی، مشاوره و غنی‌سازی خانواده، دوره ۲، شماره ۱، صص ۶۵-۵۴.
- پروین، ستار، مریم داودی و فریبرز محمدی (۱۳۹۱). عوامل جامعه‌شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده‌های تهرانی. فصلنامه علمی-پژوهشی مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان سابق)، دوره ۱،

مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین ... ۲۰۷

شماره ۵۶، صص ۱۵۳-۱۱۹.

جاویدی، نصیرالدین، علی اکبر سلیمانی، خدابخش احمدی و منا صمدزاده (۱۳۹۲). اثربخشی زوج درمانی هیجان مدار EFT بر بهبود الگوهای ارتباطی زوجین، *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، دوره ۱۱، شماره ۵، صص ۴۱۰-۴۰۲.

رضائیان، حمیدرضا، سمیرا معصومی و سیمین حسینیان (۱۳۹۶). بررسی و مقایسه تمایز یافتگی خود، الگوهای ارتباطی و رضایت جنسی در زوج‌های متقاضی طلاق و عادی، *مشاوره کاربردی*، دوره ۷، شماره ۲، صص ۳۲-۱۷.

رضوانی، حورالعین و حسن صائمی (۱۳۹۸). همبستگی تمایز یافتگی خود و نوروگرایی با طلاق عاطفی در دانشجویان متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، *فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت*، دوره ۸، شماره ۲، صص ۳۰-۲۳.

سودانی، منصور، علی امیری مقدم و مهناز مهرابی زاده هنرمند (۱۳۹۲). اثربخشی رویکرد ارتباطی ستیز بر تعارضات زناشویی و انطباق پذیری، *پژوهش‌های روانشناسی بالینی و مشاوره*، دوره ۳، شماره ۱، صص ۲۰-۵.

شعبانی، سعید، توکل آقایی هیر و فاطمه گلایی (۱۳۹۲). بررسی میزان طلاق عاطفی و عوامل جامعه‌شناختی مرتبط با آن (مورد مطالعه: افراد متأهل شهر همدان)، *دانشگاه تبریز، دانشکده حقوق و علوم اجتماعی*.

عبادت‌پور، بهناز (۱۳۷۹). *هنجاریابی پرسشنامه الگوهای ارتباطی زناشویی در شهر تهران در سال ۷۹-۷۸*. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت معلم تهران.

عطاری، یوسف‌علی، محمد حسین‌پور و سیما راهنورد (۱۳۹۱). آموزش بخشی مهارت‌های ارتباطی به شیوه برنامه ارتباطی زوجین بر کاهش دلزدگی زناشویی در زوجین، *مجله اندیشه و رفتار*، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۳۴-۲۵.

فانحی‌زاده، مریم و زهرا احمدی (۱۳۸۵). بررسی اثربخشی شیوه زوج درمانی ارتباط شیء کوتاه مدت بر الگوهای ارتباطی زوجین، *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، دوره ۲، شماره ۶، صص ۱۱۷-۱۰۵.

فیروزجائیان علی اصغر، محمداسماعیل ریاحی و منصوره محمدی دوست (۱۳۹۵). تحلیل جامعه‌شناختی طلاق عاطفی در میان زوجین شهر نوشهر، *مطالعات توسعه اجتماعی- فرهنگی*، دوره ۵، شماره ۳، صص ۵۹-۳۴.

۲۰۸ دوفصلنامه مطالعات جمعیتی، دوره ۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۸

قمری کیوی، حسین، علی شیخ‌الاسلامی و مهران صمدی (۱۳۹۴). رابطه تمایز یافتگی خود و رضایت زناشویی در همسران سازگار و ناسازگار، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی سروش حکمت مرتضوی، مؤسسه آموزش عالی مهر اروند، مرکز راهکارهای دستیابی به توسعه پایدار.

کاظمیان مقدم، کبری، مهناز مهربابی‌زاده هنرمند، علیرضا کیامنش و سیمین حسینیان (۱۳۹۷). رابطه علی تمایز یافتگی، معناداری زندگی و بخشودگی با دلزدگی زناشویی از طریق میانجی‌گری تعارض زناشویی و رضایت زناشویی، فصلنامه علمی - پژوهشی روش‌ها و مدل‌های روانشناختی، دوره ۱۹، شماره ۳۱، صص ۱۴۶-۱۳۱.

کریمی مهسا، وحید دنیوی، امیرمحسن راه نجات و امیرسام کیانی‌مقدم (۱۳۹۶). رابطه معنویت‌گرایی با عشق‌ورزی و الگوی ارتباطی زوجین، پرستار و پزشک در رزم، دوره ۵، شماره ۱۵، صص ۵۲-۴۴. گنجی، حمزه (۱۳۹۲). نظریه‌های شخصیت، انتشارات ساوالان.

موسوی، سیده‌فاطمه و عباس رحیمی‌نژاد (۱۳۹۴). مقایسه منزلت‌های هویت بین فردی زنان و مردان متأهل با توجه به وضعیت طلاق عاطفی، فصلنامه پژوهش‌های کاربردی روانشناختی، دوره ۶، شماره ۱، صص ۲۳-۱۱.

نادری، فرح و پونه آزادمنش (۱۳۹۱). مقایسه دلزدگی زناشویی، عملکرد خانواده و صمیمیت کارکنان زن و مرد، یافته‌های نو در روان‌شناسی، دوره ۷، شماره ۲۲، صص ۹۷-۱۱۲.

نجات دارابی، هادی، جلال یاراحمدی و فهیمه فعال (۱۳۹۵). بررسی دلزدگی زناشویی و طلاق عاطفی و ارتباط آن با ورزش و فعالیت جسمانی، پنجمین کنفرانس ملی علوم کاربردی در ورزش، علی‌آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علی‌آباد کتول.

نریمانی، محمد، اصغر پوراسمعیلی، نادر حاجلو و نیلوفر میکائیلی (۱۳۹۴). آسیب‌پذیری‌های بادوام و دلزدگی زناشویی در بین زوجین متقاضی طلاق: نقش میانجی رویدادهای استرس‌زا، مشاوره و روان‌درمانی خانواده، دوره ۵، شماره ۲، صص ۵۰۲۴.

هادیان، صبا و داریوش امینی (۱۳۹۸). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس هوش عاطفی، مهارت‌های ارتباطی و تعارضات زناشویی زوجین متأهل دانشگاه آزاد همدان. پژوهش‌نامه زنان، دوره ۱۰، شماره ۲۷، صص ۲۱۱-۱۷۹.

همتی‌پور، مریم، زهرا محمدی و زینب اکبری (۱۳۹۸). بررسی رابطه الگوهای ارتباطی زوجین و

مدل علی گرایش به طلاق عاطفی بر اساس الگوهای ارتباطی زوجین ... ۲۰۹

سبک‌های عشق با دلزدگی زناشویی در دانشجویان متأهل، سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در روانشناسی، مشاوره و علوم تربیتی، دبیرخانه دائمی کنفرانس.

یوسفی، ناصر (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی دو رویکرد خانواده درمانی مبتنی بر طرح‌واره درمانی و نظام عاطفی بوون بر طرح‌واره‌های ناسازگار اولیه در مراجعان متقاضی طلاق شهر سقز، *مجله اصول بهداشت روانی*، دوره ۱۳، شماره ۵۲، صص ۵۶-۷۳.

Banmen, J. (2008). Satir's systemic brief therapy: an advanced residential training program. Dumas Bay, WA.

Barry RA, Barden EP, Dubac C. (2019). Pulling away: Links among disengaged couple communication, relationship distress, and depressive symptoms. *Journal of Family Psychology*. Apr;33(3):280

Buser TJ, Pertuit TL, Muller DL. (2019). Nonsuicidal Self-Injury, Stress, and Self-Differentiation. *Adulthood Journal* ;18(1):4-16.

Christensen, A., & Salavy, R. J. (1991). Communication, conflict, and psychological distance in nondistressed, clinic and divorcing couples. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 59(3), 458-463.

Futris, T. G., Campbell, K., Nielsen, R. B., and Burwell, S. R. (2010). The Communication Patterns Questionnaire Short Form: A Review and Assessment. *The Family Journal: Counseling and Therapy for Couples and Families*, 18(3), 275-287.

Gameiro, S., Nazaré, B., Fonseca, A., Moura-Ramos, M., & Cristina Canavarro, M. (2011). Changes in marital congruence and quality of life across the transition to parenthood in couples who conceived spontaneously or with assisted reproductive technologies. *Fertility and Sterility*, 96(6), pp. 1457-1462 Measurement.;15(5):35-57.

Hall, C. S., & Lindzey, G. (1978). *Theories of Personality* (3rd ed). New York: John Wiley & Sons.

Lavner, J. A., Karney, B. R., & Bradbury, T. N. (2016). Does couples' communication predict marital satisfaction, or does marital satisfaction predict communication? *Journal of Marriage and Family*, 78(3), 680-694.

Lingern, J. (2003). Individual differences in self-appraisals and responses to dating violence scenarios. *Journal of Violence and Victims*, 12(3), 265-276.

Parcover, J. A., Mettrick, J., Parcover, C. A. D., & Griffin-Smith, P. (2011), University and college counselors as athletic team consultancy: using a structural family therapy model. *Journal of College Counseling*, 12(2), pp. 149-161.

Pfeifer, L.; R. B. Miller.; T. Li., & Hsiao, T. (2013). Perceived marital problems in Taiwan. *Journal of Contemporary Family Therapy*. 35. 91-104.

Satir, V. (1983). *Satir: Step by step*. Palo Alto, CA: Science and Behavior Books.

- Schrodt, P., Witt, P. L., & Shimkowski, J. R. (2014). A meta-analytical review of the demand/withdraw pattern of interaction and its associations with individual, relational, and communicative outcomes. *Communication Monographs*, 81(1), 28-58.
- Timmons AC, Arbel R, Margolin G. (2017) . Daily patterns of stress and conflict in couples: Associations with marital aggression and family-of-origin aggression. *Journal of family psychology*.;31(1):93.
- Tsapealas. I, Aron. A and Orbuc. T. (2016). Marital boredom now predicts less satisfaction 9 years later. Published In: *Psychological Science*, 20(5). Pp. 543-545.
- Yu Y, Wu D, Wang JM, Wang YC.(2020). Dark personality, marital quality, and marital instability of Chinese couples: An actor-partner interdependence mediation model. *Personality and Individual Differences*. 1;154:109689.
- Zhang. (2007). Family communication patterns and conflict styles in Chinese parent – child relationships. *Communication quarterly*, 55 :28-113.